

حلقه گمشده پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

بخش قابل توجهی از جرائم و آسیب‌هایی که امروز در بستر جامعه جریان دارد، ریشه در رفتارهای پرخطری دارد که آموزه‌های دینی و اخلاقی انسان را از گرایش به آن بازمی‌دارد. حسادت، خشم، حرص، شهوت، کینه‌توزی و طمع، از مهم‌ترین عواملی هستند که زمینه شکل‌گیری بسیاری از انحرافات

اجتماعی را فراهم می‌کنند. در حقیقت، بسیاری از جنایات‌ها و

ناهنجاری‌ها پیش از آنکه در خیابان و جامعه رخ دهند، در درون انسان و در ضعف اخلاقی او متولد می‌شوند.

بررسی آسیب‌هایی مانند گرایش به مواد مخدر، قتل، سرقت، اختلاس، تعرض به حقوق و نوامیس مردم و دیگر رفتارهای پرخطر نشان می‌دهد که بی‌توجهی به تربیت اخلاقی و فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی، نقشی اساسی در گسترش این آسیب‌ها دارد. انسانی که قدرت کنترل خشم، شهوت یا حرص خود را از دست بدهد، ممکن است در لحظه‌ای کوتاه مرتکب رفتاری شود که امنیت و آرامش یک جامعه را بر هم بزند. به همین دلیل است که ادیان الهی همواره بر خودسازی، تقویت وجدان اخلاقی و مهار نفس تأکید کرده‌اند. قرآن کریم در بسیاری از آیات انسان را به اخلاق حسنه دعوت می‌کند و نسبت به پیامدهای خطرناک ذایل اخلاقی هشدار می‌دهد. داستان هابیل و قابیل نمونه‌ای روشن از همین حقیقت است؛ جایی که حسادت، نخستین قتل تاریخ بشر را رقم زد. قابیل نتوانست آتش حسادت را در وجود خود مهار کند و همین ضعف اخلاقی، او را به جنایتی بزرگ کشاند. این روایت تاریخی و دینی، هشداردی همیشگی برای جوامع بشری است که حسادت و کینه می‌تواند انسان را تا مرز نابودی انسانیت پیش ببرد.

در سوسی دیگر، داستان یوسف و زلیخا نیز جلوه‌ای از تقابل اخلاق و هوس است. شهوت و خواسته‌های نفسانی زلیخا، او را به رفتاری غیراخلاقی سوق داد، اما پاکدامنی و تقوای حضرت یوسف(ع)، مانع سقوط او شد. این داستان تنها یک روایت تاریخی نیست، بلکه الگویی برای جامعه امروز است؛ جامعه‌ای که در آن اگر اخلاق و خویشتنداری تضعیف شود، بسیاری از آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی گسترش پیدا می‌کند.

امروز نیز در بسیاری از جوامع، انسان مدرن با وجود پیشرفت‌های علمی و فناوری، از بحران‌های اخلاقی رنج می‌برد. افزایش خشونت، فساد اقتصادی، فروپاشی خانواده‌ها و گسترش اعتیاد، نشانه‌هایی از همین سرگشتگی اخلاقی است. توسعه بدون اخلاق، امنیت و آرامش به همراه نخواهد داشت. جامعه‌ای که در آن فضایل انسانی کمرنگ شود، دیر یا زود با افزایش ناامنی و آسیب‌های اجتماعی مواجه خواهد شد.

از همین‌رو، پرورش رفتارهای اخلاقی باید به یکی از مهم‌ترین اولویت‌های خانواده، نظام آموزشی، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی تبدیل‌شود. آموزش مهارت کنترل خشم، تقویت روحیه گذشت، قناعت، احترام به حقوق دیگران و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، می‌تواند از بسیاری از جرایم پیشگیری کند. اخلاق، تنها یک توصیه فردی نیست، بلکه مهم‌ترین سرمایه برای حفظ سلامت اجتماعی و امنیت روانی جامعه است. هر اندازه جامعه به سوی فضایل اخلاقی حرکت کند، به همان میزان از آسیب‌ها و رفتارهای پرخطر فاصله خواهد گرفت.

قتل همسر

بابرق

■ **غلامرضا مسکنی**

مردی که متهمم است در جریان اختلاف خانوادگی، همسرش را با اتصال برق به کام مرگ کشانده بازداشت شد.

■ ■ ■

ساعت ۱۲ ظهر روز جمعه، یکم خرداد، مأموران پلیس شهر ری تماسی تلفنی دریافت کردند که آنها را به یکی از ساختمان‌های مسکنونی این شهر کشاند. پسر جوانی با صدایی لرزان و گریان، خبر از مرگ غم‌انگیز مادرش داد. او با کلماتی بریده‌بریده گفت: «من و برادرم خواب بودیم. الان که به اتاق مادرمان رفتیم، با صحنه هولناکی روبه‌رو شدیم. مادرم بی‌جان با صورتی کیبود کنار تختش افتاده است. یک کابل برق هم کنارش است. احتمال می‌دهیم او را برق گرفته‌است.»

■ **ورود تیم جنایی به ساختمان مسکنونی**

با اعلام خبر مرگ مشکوک، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت و مأموران شهری بلافاصله به محل حادثه اعزام شدند.

تیم جنایی در اتاق خواب با جسد زن ۴۱ ساله‌ای به نام مهین روبه‌رو شدند. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت که او بر اثر برق گرفتگی عمدی به قتل رسیده‌است.

■ **صحنه دلخراش؛ کابل برق، قلاب آهنی و پریز**

مأموران در کنار جسد، یک کابل برق پیدا کردند که یک سر آن در نزدیکی پریز برق افتاده بود و سر دیگر آن که به یک قلاب آهنی متصل شده‌بود، نزدیک جسد رها شده‌بود. بررسی‌های فنی نشان می‌داد عامل قتل، یک سر سیم را به پریز برق وصل کرده و قسمت قلاب آهنی را روی بدن مقتول قرار داده و او را به قتل رسانده‌است.

پزشکی قانونی در معاینات اولیه در محل حادثه اعلام کرد حدود پنج ساعت از مرگ زن جوان می‌گذرد و به احتمال زیاد او در خواب به قتل رسیده است. دو پسر ۱۶ و ۲۰ ساله مقتول در اتاق دیگر خواب بوده‌اند و متوجه حادثه نشده‌اند. ■ **روایت پسر مقتول؛ صبحی که مادر بیدار نشد**

یکی از فرزندان مقتول در حالی که اشک می‌ریخت، به مأموران گفت: «پدر و مادرم مدتی است با هم اختلاف دارند. به همین خاطر پدرم چند روزی است خانه نمی‌آید. شب قبل،

حوادث

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰



مادرم در اتاقش خواب بود و من و برادرم هم به اتاق دیگری رفتم و خوابیدیم. چند ساعت قبل از خواب بیدار شدیم و تصور کردیم

مادرمان هنوز خواب است. نزدیک ظهر شد و وقتی دیدیم

مادرمان از خواب بیدار نمی‌شود، نگران شدیم و به اتاقش رفتیم. وسایل خانه به هم ریخته و مادرم کنار تختش بی‌جان افتاده‌بود. داد و فریاد ما بلند شد و همسایه متوجه حادثه شد. بلافاصله با پلیس و اورژانس تماس گرفتیم.»

■ **قفل سالم، ردپای آشنا**

مأموران پلیس در بررسی‌های فنی در یافتند قفل در ورودی ساختمان و آپارتمان سالم است و هیچ اثری از تخریب روی آن دیده نمی‌شود. این موضوع حکایت از آن داشت که قاتل، فردی آشنا بوده که کلید ساختمان و آپارتمان را داشته‌است. از سوی دیگر، تحقیقات از فرزندان مقتول، بستگان و همسایه‌ها نشان می‌داد مهین از مدت‌ها قبل با شوهر ۴۸ساله‌اش به نام بهمن اختلاف شدید داشته‌است. همسایه‌ها بارها شاهد درگیری و مشاجرات آنها بوده‌اند و حتی این زن و شوهر در دادگاه درخواست طلاق داده‌بودند. شواهد و دلایل، همگی نشان می‌داد قاتل، شوهر مقتول است که پس از قتل متواری شده‌است. به دستور بازپرس جنایی، بهمن تحت تعقیب قرار گرفت.

مأموران موفق شدند مظنون را داخل خودرویش، در یکی از خیابان‌های اطراف محل زندگی‌اش شناسایی و وی را بازداشت کنند.

■ **اعتراف قاتل**

بهمن متهم بود که با اظهار پشیمانی به قتل همسرش اعتراف کرد. او در توضیح ماجرا به کارآگاهان گفت: «سسال‌ها قبل با مهین ازدواج کردم و زندگی خوبی داشتم. من کارم برق کاری بود و درآمد خوب بود. وقتی بچه‌هایمان به دنیا آمدند، زندگی ما شیرین‌تر هم شد.»

■ **تغییر رفتار پس از انتقال سند خانه**

بهمن ادامه داد: «مدتی قبل کارم را عوض کردم و یک خودروی خاور خریدم و با آن بار جابه‌جا می‌کردم. مشکل خاصی نداشتم تا اینکه یک خانه خریدم و از شر مستاجری خلاص شدیم، اما فکر نمی‌کردم همین خانه

باعث شود زندگی‌ام خراب شود و دست به قتل همسرم بزنم. همسرم اصرار داشت خانه را به نام او بزنم. من هم به او اعتماد کردم و خانه را به نامش زدم. از روزی که سند خانه به نام او ثبت شد، رفتارش با من تغییر کرد. اختلافات، درگیری‌ها و مشاجرات ما شروع و زندگی‌مان تلخ شد.»

قاتل افزود: «یک هفته قبل، پدرم فوت کرد. ما برای مراسم خاکسپاری و ختم به شهرستان رفتم. همسرم از من زودتر به خانه برگشت و من ناراحت شدم، اما چیزی نگفتم. وقتی به خانه برگشتم با هم مشاجره کردیم و او مرا از خانه بیرون کرد.»

■ **انتقام در سکوت صبح**

بهمن درباره روز حادثه گفت: «وقتی از خانه بیرونم کرد، به خانه یکی از بستگان نزدیکم رفتم. شب قبل، یکی از پسرانم با من تماس گرفت و گفت از زمانی که من رفتم، مادرشان برای آنها شام و ناهار درست نمی‌کند. عصبانی فیمیدم‌ها و به فرزندانش رسیدگی نمی‌کند. عصبانی شدم و تصمیم گرفتم انتقام بگیرم. با اینکه درخواست طلاق در دادگاه داده‌بودیم و قرار بود از هم جدا شویم، اما از کارهایش خسته شده‌بودم و تصمیمی را که نباید می‌گرفتم، گرفتم.»

وی ادامه داد: «صبح حدود ساعت ۷:۲۰، با کلیدی که داشتم وارد خانه شدم و به آرامی به اتاق خواب رفتم.

همسر خواب بود. نقشه‌ام را عملی کردم. یک سر کابل برقی را که با خودم برده بودم، به پریز برق زدم و سر دیگر را لخت کردم و یک قلاب آهنی به آن وصل کردم و روی گردن او گذاشتم. شدت برق، او را از روی تخت پرت و در دم فوت کرد. پسرانم خواب بودند. من مخفیانه از خانه بیرون آمدم و فرار کردم. الان پشیمانم. کاش هرگز مرتکب این قتل نشده بودم.»

متهم پس از اعتراف به دستور بازپرس جنایی، برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت. تحقیقات برای فاش شدن زوایای پنهان این حادثه و بررسی ابعاد دیگر پرونده ادامه دارد.

کلاهبردار ۲۰۰ میلیاردی بازداشت شد

مردی که با وعده سودهای کلان در معاملات ارزی و پروژه‌های ملکی، میلیاردها تومان از شهروندان کلاهبرداری کرده بود، دستگیر شد.

به گزارش «جوان»، چندی قبل مأموران پلیس شهرستان فلاورجان پس از دریافت شکایت‌های مردسی در سرباره کلاهبرداری‌های سریالی مردی فریبکار بررسی‌های خود را شروع کردند. بررسی‌ها نشان داد متهم با فعالیت در حوزه خرید و فروش ارز و معرفی خود به‌عنوان سرمایه‌گذار پروژه‌های ملکی، اعتماد شهروندان را جلب کرده و با وعده پرداخت سود ماهانه ۲۰ درصدی، مبالغ کلانی پول نقد وارز دریافت کرده‌است. در ادامه مشخص شد

این فرد پس از جذب سرمایه‌ها و ناتوانی در عمل به تعهداتش، متواری شده‌است. کارآگاهان پلیس آگاهی فلاورجان در جریان بررسی‌های خود مخفیگاه متهم را شناسایی و او را دستگیر کردند. بررسی‌های پلیس حکایت از این داشت که متهم با فریب ۳۰ نفر بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان از آنها به کلاهبرداری کرده‌است که تحقیقات از وی همچنان جریان دارد.

حل اختلاف باشلیک گلوله!

قاتل فراری که در جریان یک درگیری مسلحانه در یکی از محله‌های سردشت مرتکب قتل شده و متواری بود، پس از شناسایی مخفیگاهش در عملیات پلیسی دستگیر شد. سرهنگ حسینیان، فرمانده انتظامی سردشت گفت: یک ماه قبل و به دنبال وقوع یک درگیری مرگبار با سلاح گرم در یکی از محله‌های شهرستان سردشت رسیدگی به پرونده و شناسایی عامل جنایت به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس قرار گرفت. مأموران پلیس بعد از حضور در محل متوجه شدند مرد جوان با شلیک گلوله هدف قرار گرفته و جانش را از دست داده‌است. هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی عامل قتل شناسایی و تحت تعقیب قرار گرفت و بازداشت شد. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت به خاطر اختلاف مالی که با مقتول داشت با او مشاجره کرده و حادثه خونین را رقم زده‌است.

پلیس امنیت اقتصادی در خط مقدم امنیت بازار



سردار حسین رحیمی

رئیس پلیس امنیت اقتصادی

پلیس امنیت اقتصادی فراچه به مثابه دژیان امنیت معیشت و ثبات نظام اقتصادی کشور با تمرکز بر فعالیت‌های ایجابی تلاش دارد با تأمین و تثبیت امنیت اقتصادی کشور نقشه دشمنان را نقش بر آب کندو اجازه ندهد خدشه‌ای به امنیت اقتصادی مردم وارد شود. در ادبیات نبردهای مدرن، مفهوم جنگ ترکیبی سه درگیری‌های نظامی محدود و محصور نمی‌شود به گونه‌ای که در شرایط موجود مسائل اقتصادی، به خط مقدم نبرد تبدیل شده‌است، به گونه‌ای که دشمنان، با بهره‌گیری از ابزارهای مالی، اختلال در زنجیره تأمین و توزیع کالا و ایجاد بی‌ثباتی در بازارها، سعی دارند تاب‌آوری ملی را هدف قرار دهند و زمینه نارضایتی مردم را فراهم کنند.

در جنگ ترکیبی، دشمنان تلاش می‌کنند با استفاده از عملیات روانی، با ایجاد نوسانات ارزی و ایجاد حباب‌های کاذب در بازار کالا و احتکار سازمان‌یافته کالای‌های اساسی زمینه بار رفتن قیمت را فراهم سازند و اعتماد عمومی را سلب و زمینه ایجاد شکاف طبقاتی را فراهم سازد. پلیس امنیت اقتصادی با رصد جریان‌های نامتعرف مالی (مبارزه با پولشویی و رصد گردش‌های غیرقانونی ثروت) و بر خود را با قاچاق سازمان یافته، در واقع خط دفاع را در برابر این تهاجم تشکیل می‌دهد. این پلیس باشناسایی نقاط نفوذ و فعالیت مجرمان اقتصادی در حوزه‌های مختلف تلاش دارد نگاردار دشمنان، معیشت مردم را به ابزار ی برای فشار سیاسی تبدیل کنند.

یکی از اهداف اصلی جنگ ترکیبی، کاهش سرمایه اجتماعی از طریق ترویج بی‌عدالتی اقتصادی و ایجاد فسادهای آشکار و ترور ماهیت حاکمیت‌هاست از این رو، پلیس امنیت اقتصادی با متمرکز شدن بر مبارزه با رانت و فسادهای کلان، نقش مهمی در بازسازی اعتماد عمومی ایفا می‌کند.وقتی برای جامعه فرسود شده پلیس با دانه‌درشت‌ها و مفسدانی که از شرایط جنگی سوءاستفاده می‌کنند، بر خورد می‌کند، همبستگی ملی تقویت‌شده و توطئه‌های دشمن برای ایجاد ناامیدی شکست می‌خورد که در این راستا تمرکز اصلی پلیس امنیت اقتصادی در شرایط موجود بر مقابله با محترکان و گرانفروشی‌های است که بدون هیچ ضابطه و منطقی زمینه‌تشدیدی بی‌ثباتی در بازار و اقتصاد را ایجاد می‌کنند.

پلیس امنیت اقتصادی فراچا با حرکت، به سمت هوشمندسازی و استفاده از تحلیل داده‌ها تلاش دارد تا پیش از آنکه یک اختلال اقتصادی (مثل حمله سایبری به سیستم‌های بانکی یا احتکار هوشمند) به بحران تبدیل شود، آن را شناسایی و خنثی کند. این پلیس امروز تأمین امنیت شبکه‌های سایبری و تبادل‌ات دیجیتال کشور را به عنوان بخشی از زیرساخت امنیت ملی رصد و امنیت آن را به عنوان یکی از مأموریت‌های اصلی خود به طور جد و بدون وقفه پیگیری می‌کند

پلیس امنیت اقتصادی فراتر از برخورد سلبی تلاش دارد با برخورد‌های ایجابی و حمایتی از ظرفیت‌های سایر سازمان‌ها جهت تأمین و تثبیت امنیت اقتصادی کشور بهره‌گیرد، در شرایطی که جریانات امریکایی و صهیونی سعی دارند با تخریب‌ها و فشارهای اقتصادی، اراده ملی را فرسوده و به اصطلاح از این آب گل آلود برای خود ماهی بگیرند، عملکرد سریع، دقیق و بی‌طرفانه این پلیس، پیام آور انضباط در میانه آشوب است. این پلیس با ایجاد قرارگاه مقابله با احتکار و گرانفروشی و با اجرای طرح‌های مختلف سراسری، منطقه‌ای و با رصد و تعقیب مجرمان و مفسدان اقتصادی پیمای روشن به دشمن مخاربه می‌کند: اقتصاد ایران، نه میدان بازی برای نفوذ و جولان دشمنان نیست، بلکه دژی محکم برای توسعه تحت نظارت قانون است. از آغاز جنک تحمیلی سوم تا کنون نزدیک ۴۵ هزار گشت مشترک با بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های صمت، جهاد کشاورزی، تعزیرات و اصناف از بیش از ۱۵۰ هزار فروشگاه و انبار و مراکز عرضه کالا بازدید داشته‌اند که از این بازدیدها و سرکشی‌های صورت گرفته تعداد ۲۴۵۵ انبار یکی از گل آلود برای خود موهبی کالای احتکاری وجود داشت، پلمب شد و در این رابطه برای ۷۶۹ نفر به اتهام احتکار کالای اساسی و مورد نیاز جامعه

پرونده تشکیل و اتهامات آنها در حال رسیدگی است.

پلیس امنیت اقتصادی فراچاد در جنگ ترکیبی دشمنان علیه ایران، حافظ امنیت اقتصاد و معیشت مردم در مقابل هججه‌های آنان است. رسالت این نهاد در مقطع کنونی، صرفاً مبارزه با قاچاقچ نیست؛ این نهاد به قرار گاهی مرگزی برای مقابله با گرانفروشی و احتکار کالا تبدیل شده‌است تا بهره‌گیری از سامانه‌ها و دیتناهای موجود و انشراف اطلاعاتی و بهره‌گیری از ظرفیت سایر سازمان‌ها و نهاده‌ها و اخبار و اطلاعات مردم عزیزمان، دست دشمن خارجی و متروان داخلی آنان را که تلاش دارند تا با عمل قیجخانه و مجرمانه خود با احتکار و گرانفروشی و کم‌فروشی در اقتصاد کشور اختلال ایجاد کنند، کوتاه کند. عبور موفق از پیچ‌های تاریخی و نبردهای اقتصادی، در گرو این است که امنیت فضای کار و تولید، توسط این پلیس تضمین شده و اجازه داده نشود که جنگ اقتصادی تبدیل به شکاف اجتماعی و سوءاستفاده دشمنان عنود و جنایتکار ما شود.

لباس‌های حاکی راز قتل را برملا کرد

■ **آزمین بینا**

قاتلی که سردرد جوانی را با شلیک گلوله به قتل رسانده و جسدش را در بیابان دفن کرده‌بود، سه خاطر لباس‌های حاکی‌اش دستگیر شد. قاتل به قتل اعتراف کرد و گفت حین دفن جسد لباس‌هایش حاکی شد و همین موضوع راز قتل را فاش کرد.

چند روز قبل، مأموران پلیس تهران با شکایت خانوادگی از گمشدگان‌هایی مرد جوانی به نام ارسلان باخبر شدند. خانواده او نگران و بی‌قرار بودند و از پلیس درخواست کمک کردند. یکی از اعضای خانواده مرد گمشده به مأموران گفت: «ارسلان روز قبل برای انجام کاری از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. پس از این، ما به همه جا سر زدیم، اما هیچ‌یک از دوستان و بستگان خبری از او نداشند. الان نگرانیم برای او اتفاق بدی افتاده باشد.»

■ **زدنی تا یک اختلاف قدیمی**

با ثبت این شکایت، تیمی از مأموران به دستور باز پرس جنایی، تحقیقات خود را برای پیدا کردن مرد گمشده آغاز کردند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد ارسلان از مدتی قبل با مرد میانسالی به نام کامران اختلاف داشته‌است. همچنین مشخص شد روز حادثه، ارسلان با او دیده شده‌است. این اطلاعات، توجه کارآگاهان را به سمت کامران جلب کرد. تحقیقات برای بازداشت این مظنون ادامه داشت.

■ **دستگیری در اسلامشهر**

در حالی که مأموران در جست‌وجوی کامران بودند، مأموران پلیس شهرستان اسلامشهر به مردی برخوردند که لباس‌هایش حاکی و ظاهرش مشکوک بود.

رفتارهای عجیب او باعث شد مأموران وی را بازداشت کنند.

متهم در بازجویی‌های اولیه با تناقض‌گویی تلاش کرد مأموران را فریب دهد، اما بررسی سوابق او نشان داد که این مرد همان کامران است و از چند روز قبل به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب پلیس بوده‌است.

■ **اعتراف تکان‌دهنده**

کامران در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت و در بازجویی‌ها به قتل ارسلان اعتراف کرد. او در تشریح ماجرا گفت: «با ارسلان اختلاف داشتم. روز حادثه او را به بهانه‌ای به محل قرار ساختگی کشاندم تا انتقام بگیرم. وقتی او را دیدم، دوباره سر همان اختلاف قبلی مشاجره کردم. عصبانی شدم و با شلیک گلوله او را به قتل رساندم.» قاتل ادامه داد: «یکی دو روز با جسد بودم. نمی‌دانستم چه کار کنم. ترسیدم و در حیرت مانده بودم. تا اینکه تصمیم گرفتم جسد را در بیابان‌های اطراف اسلامشهر دفن کنم تا هیچ ردی از خودم به جا نگذارم. جسد را به بیابان بردم و دفن کردم. لباس‌هایم حاکی شد. در حین برگشت، در اسلامشهر مأموران به من مشکوک شدند و مرا بازداشت کردند.»

■ **ادامه تحقیقات برای کشف جسد**

متهم پس از اعتراف به قتل، برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. تلاش برای کشف جسد ارسلان ادامه دارد.